

## بررسی سازوکار اقدامات نظامی، اطلاعاتی و سیاسی دولت اردن در پشتیبانی از رژیم صدام طی جنگ هشت‌ساله علیه ایران

محمد صادق کوشکی؛ سید مرتضی عریضی میبدی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۳۰

**چکیده:** رژیم بعثی عراق در ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۵۹ شمسی (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی) بنابه دلایل متعدد ژئوپولیتیک و ایدئولوژیک هشت سال جنگ ناعادلانه را علیه ایران آغاز کرد. در این جنگ، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بنا بر مقتضیات و شرایط ایجادشده نسبت به این رویداد واکنش نشان دادند که در این بین، نقش پادشاهی اردن به دلایل عینی و ذهنی در حمایت از رژیم بعثی صدام بیشتر مشهود بوده است. به‌گونه‌ای که در جنگ، اقدامات متعددی در راستای حمایت‌های سیاسی، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی در سطوح منطقه‌ای و بین‌الملل از صدام حسین کرد و به باور بسیاری از تحلیلگران سیاسی، پادشاهی اردن به‌عنوان برجسته‌ترین حامی صدام حسین در جهان عرب شناخته شده است. هدف از این پژوهش، شناخت رفتار پادشاهی اردن در قبال تجاوز رژیم بعثی عراق به ایران، چرایی اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات حیاتی نظامی - اطلاعاتی از جانب این نظام و بررسی رفتار اردن در جنگ و نقش ملک حسین (پادشاه اردن) در حمایت از رژیم بعثی عراق است. بر این اساس، پرسش اصلی این پژوهش آن است که سیاست و اقدامات نظامی و اطلاعاتی دولت اردن در قبال جنگ رژیم بعثی عراق علیه ایران چه بوده است. به‌دنبال آن، نویسندگان بررسی فرضیه‌ای را مبنی بر اینکه اردن با اتخاذ اقدامات نظامی - سیاسی و اطلاعاتی به حمایت از رژیم بعثی عراق در جنگ هشت‌ساله علیه ایران پرداخته، مد نظر دارند. این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی موردبررسی قرار گرفته و روش گردآوری داده‌های مرتبط با پژوهش به‌صورت اسنادی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اردن با اتخاذ حیاتی‌ترین اقدامات نظامی - اطلاعاتی، موثرترین نقش را در حفظ رژیم بعثی عراق و توسعه آن در جنگ تحمیلی علیه ایران داشته است.

**واژگان اصلی:** دولت اردن، رژیم بعثی عراق، جنگ تحمیلی علیه ایران، سازوکار اقدامات.

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران تهران، ایران m.koushki@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران تهران، ایران (نویسنده مسئول) emamimorteza@ ut.ac.ir

## مقدمه

رژیم بعثی عراق در ۳۱ شهریورماه سال ۱۳۵۹ شمسی (۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی) بنابه دلایل متعدد ژئوپولیتیک همچون اختلافات مرزی و ایدئولوژیک همچون ترس ناشی از صدور انقلاب، ناسیونالیسم عربی، هشت سال جنگ ناعادلانه را علیه ایران آغاز کرد. در این جنگ، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بنا بر مقتضیات و شرایط ایجاد شده نسبت به این رویداد واکنش نشان دادند که اکثریت کشورهای عربی به خصومت با ایران پرداختند و در بین کشورهای حامی صدام، نقش پادشاهی اردن به دلایل عینی و ذهنی بیشتر مشهود بوده است. این جایگاه ویژه، ناشی از فضای حاکم بر تصمیم‌گیری مقامات اردن در شکل‌دهی به سیاست خارجی این کشور است. در واقع، گفتمان حاکم بر سیاست خارجی اردن روی روابط با رژیم بعثی عراق و ایران تأثیرگذار بوده است؛ به گونه‌ای که از گذشته، روابط پر فرازونشیبی با عراق داشته و با شروع جنگ تحمیلی، نقش فعال خود را در قبال رژیم بعثی عراق اتخاذ می‌کند (خماس، ۲۰۱۱).

در سوی دیگر بین ملک حسین و شاه ایران روابط بسیار گرمی برقرار بوده که با وقوع انقلاب اسلامی، سرنگونی نظام پادشاهی در ایران و هراس از ایجاد حکومت اسلامی، جنگ به‌ان‌های برای حمایت اردن از رژیم بعثی عراق در برابر نظام نوپای جمهوری اسلامی شده؛ چراکه هنوز به انسجام و استحکام در عرصه داخلی نرسیده است. به هر جهت، اردن به دلیل ساختار حاکم بر این کشور و فرصت‌ها و چالش‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به همراهی با رژیم بعثی عراق روی می‌آورد؛ تاجایی که ملک حسین پادشاه وقت اردن، صدام حسین را در اولین شلیک ارتش بعثی عراق به سوی جمهوری اسلامی ایران همراهی کرده و همپای بسیاری از کشورهای عربی در مقابل ایران اسلامی قد علم می‌کند (شریل، ۱۳۹۵). در ادامه جنگ، اقدامات متعددی در راستای حمایت‌های سیاسی، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی از صدام حسین کرد؛ حمایت‌هایی که با تشویق قدرت‌های منطقه ای و فرامنطقه‌ای در راستای تقویت روزافزون رژیم بعثی عراق صورت می‌گرفت. این حمایت‌ها به قدری بود که اکثریت قریب به اتفاق تحلیلگران سیاسی از پادشاهی اردن به‌عنوان برجسته‌ترین و باثبات‌ترین حامی صدام حسین در جهان عرب یاد می‌کنند. بر این اساس، پرسش اصلی این پژوهش آن است که سیاست و اقدامات نظامی و اطلاعاتی دولت اردن

درقبال جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه ایران چه بوده است. به دنبال آن، نویسندگان بررسی فرضیه‌ای را مبنی بر اینکه اردن با اتخاذ اقدامات نظامی - سیاسی و اطلاعاتی به حمایت از رژیم بعثی عراق در جنگ هشت‌ساله علیه ایران پرداخته، مد نظر دارند. هدف از این پژوهش، شناخت رفتار پادشاهی اردن درقبال تجاوز رژیم بعثی به ایران، چرایی اتخاذ چنین سیاست‌ها و اقداماتی از جانب این نظام و بررسی رفتار اردن طی جنگ و نقش ملک حسین (پادشاه اردن) در حمایت از رژیم بعثی عراق است.

### چارچوب نظری: موازنه تهدید

گرچه می‌توان اقدامات اردن درقبال رژیم بعثی عراق را با نظریه‌های متفاوتی تحلیل کرد؛ اما، نظریه «موازنه تهدید» ظرفیت بیشتری برای تبیین این موضوع داراست. این نظریه توسط «استفن والت» برای افزایش ظرفیت نظریه‌های موازنه قوای سستی واقع‌گرایان مطرح شد که تا اواخر قرن بیستم، یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها برای تبیین روابط بین دولت‌ها محسوب می‌شد. با فروپاشی شوروی و پایان نظام دو قطبی، کاربرد و قدرت تبیین نظریه موازنه قوا توسط بسیاری از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل مورد تردید قرار گرفت؛ زیرا، پس از فروپاشی شوروی و تبدیل آمریکا به قدرت مهم بین‌المللی، برخی تحلیلگران، دوره پس از جنگ سرد را «کنسرت تک قطبی» نامیده‌اند (Wright, 2015). والت که از متفکران مهم سنت واقع‌گرایی است، به سوی «جابه‌جایی» نقطه تمرکز واقع‌گرایی از «موازنه قدرت» به «موازنه تهدید» تمایل پیدا کرد تا بدین‌سان به تعبیر خودش، گره کور نواقح‌گرایی گشوده شود (لیتل، ۱۳۸۹). آنچه در نظریه موازنه تهدید از سوی والت رایج شده، به معنای آن است که در برخی از مقاطع زمانی، بعضی کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی به‌جای آنکه زمینه موازنه قدرت را فراهم آورند، امکان پیوستن سایر بازیگران به ائتلاف با بازیگر مسلط را به‌وجود می‌آورند. به‌طور کلی، «پیوستن به بازیگر مسلط» در برابر موازنه با نیروهایی است که درصدد کسب هژمونی هستند. این رهیافت نشان می‌دهد مطلوبیت موازنه تهدید برای بازیگران هژمون (در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی) به‌کار گرفته می‌شود، در حالی‌که هرگونه مطلوبیت موازنه قوا برای کشورهایی است که در معرض تهدید بازیگر هژمون و نیروی مؤثر در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارند (Walt, 1987).

به نظر والت، تهدید از «قدرت کلی»، «مجاورت جغرافیایی»، «قدرت تهاجمی» و «نیات تجاوزکارانه» تشکیل می‌شود. قدرت کلی همان مجموع منابع کشور است؛ کشوری که منابع بیشتری داشته باشد، می‌تواند نسبت به کشوری که منابع کمتری دارد، تهدید جدی‌تری را موجب شود. مجاورت جغرافیایی از این رو اهمیت دارد (در صورت برابر بودن سایر شرایط) که کشورهای نزدیک اغلب تهدیدکننده‌تر از کشورهای دور هستند. قدرت تهاجمی، توانایی یک دولت برای تهدید حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌ای قابل قبول است. سرانجام، کشورهایی که تجاوزپیشینه تصور شوند، احتمال بیشتری دارد نسبت به دولت‌های دیگر موجب ایجاد توازن شوند. نیات تجاوزکارانه، تمایل یک کشور خاص به واداشتن کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد. والت در نظریه خود بر اهمیت نیات تجاوزکارانه به جای منابع مادی قدرت نیز تأکید می‌ورزد. برای نمونه، وی هنگام تبیین ریشه‌های جنگ سرد می‌گوید مجاورت جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیات تجاوزکارانه اتحاد شوروی موجب ایجاد توازن توسط قدرت‌های منطقه‌ای در اروپا و آسیا به صورت تشکیل اتحادهایی با ایالات متحده شد و متعاقباً، اتحاد جماهیر شوروی هم با تقویت قدرت خود در داخل، در برابر ایالات متحده توازن ایجاد کرد (سیفی و پورحسن، ۱۳۹۷).

برحسب نظریه توازن تهدید، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان منشأ بیشترین تهدید در ادراک کشورهای عربی شناخته شده و از همین‌رو، پادشاه وقت اردن به‌عنوان یکی از کشورهای عربی منطقه در چهار بعد از رژیم بعثی صدام حسین (به‌دلیل درک نادرست مقامات سیاسی جهان عرب از مفهوم صدور انقلاب اسلامی) حمایت می‌کند. همچنین، با توجه به قدرت جمهوری اسلامی ایران در منطقه به‌دلیل برانگیختن ملل و جنبش‌های آزادی‌خواه منطقه، مجاورت جغرافیای ایران اسلامی در حوزه ذهنی (مرزهای شیعی - انقلابی) و عینی (مرزهای سرزمینی و حوزه نفوذ)، صدور انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های مرتبط با آن و تلاش در جهت ایجاد یک محور ضد جریان محافظه‌کار عربی در منطقه (محور مقاومت)، پادشاهی اردن را به اقدامات سیاسی و نظامی خود در قبال رژیم بعثی صدام واداشته است. این اقدامات در واقع نشان از رفتار «بازیگر الف» در نقش حامی «بازیگر ب» جهت تضعیف یا نابودی «بازیگر ج» بوده است.

## پیشینه پژوهش

در کتاب آغاز تا پایان، بررسی وقایع سیاسی- نظامی نوشته درودیان، نویسنده به توصیف اقدامات کشورهای عربی همچون اردن به صورت پراکنده پرداخته است. اسعد خماس در پژوهش خود با عنوان اشغال عراق توسط آمریکا و تأثیرش روی روابط عراق و اردن نیز ضمن اشاره به روابط دو کشور از جنگ دوم جهانی تا سال ۲۰۰۳ میلادی، اشاره کوتاهی به روابط عراق و اردن در زمان جنگ تحمیلی داشته و در مورد اقدامات اردن در جنگ تنها به چند خط اکتفا کرده است. پژوهش بعدی کتاب پیر رازو با عنوان جنگ عراق و ایران است که در آن نویسنده گرچه به صورت کلی به کلیات جنگ و اقدامات کشورهای درگیر در آن پرداخته؛ با این حال، به اطلاعات نظامی، سیاسی و اطلاعاتی اردن در این جنگ صرفاً به صورت کلی و توصیفی اشاره شده است. کورتیس رایان در پژوهش نسبتاً جامع با عنوان بینا عربی: امنیت رژیم و سیاست خارجی اردن به بررسی روابط اردن با کشورهای عربی از جمله عراق پرداخته و در بخش جنگ تحمیلی مطالب را براساس داده‌های ژورنالیستی و آماری به رشته تحریر درآورده و بیشتر حالت گزارشی به خود گرفته است. به طور کلی، عدم پرداختن مستقیم به نقش اردن در جنگ تحمیلی و عدم توجه به جزئیات، عدم اشاره به چرایی حمایت اردن از رژیم بعثی عراق و بررسی تک بعدی اقدامات اردن در جنگ تحمیلی از ضرورت‌های انجام این پژوهش است. بنابراین، اهمیت و وجه تمایز این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌های اشاره شده در این زمینه، بررسی جامع اقدامات سیاسی، اطلاعاتی و نظامی اردن در جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق و دسته‌بندی آنهاست.

## روش پژوهش

این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی موضوع پرداخته است. در واقع، پژوهش‌های مبتنی بر این شیوه به دو بخش توصیفی و تحلیلی تقسیم‌بندی می‌شود که هدف در بخش توصیفی، توصیف سیاست خارجی اردن و روابطش با رژیم بعثی صدام است و در آن هیچ نظارتی روی متغیرهای این پژوهش (متغیر مستقل: اقدامات اردن؛ متغیر وابسته: حمایت اردن از رژیم بعثی صدام) صورت نگرفته و فقط آنچه اتفاق افتاده یا آنچه اتفاق می‌افتد، گزارش می‌شود. در قسمت تحلیلی نیز باتوجه به داده‌های گردآوری شده، شروع به

تجزیه و تحلیل آن‌ها در قالب اقدامات اطلاعاتی - نظامی در حمایت از رژیم بعثی عراق می‌شود. درباره گردآوری داده‌ها و اطلاعات از روش‌های مختلفی همچون بررسی اسناد، مطالعه مقالات و کتاب‌ها، پایگاه‌های اینترنتی مرتبط و نیز، بررسی آمار و ارقام استفاده شده است. از این‌رو، جهت آشنایی ذهن مخاطب این پژوهش با اقدامات اطلاعاتی - نظامی اردن در جنگ هشت‌ساله رژیم بعثی عراق علیه ایران، ابتدا به بررسی کلیات سیاست خارجی اردن و سیاست‌گذاری خارجی این کشور در برخورد با مسائل و رویدادهای منطقه‌ای پرداخته خواهد شد. سپس، به بررسی زمینه‌های تاریخی اتخاذ اقدامات حمایتی اردن از رژیم بعثی عراق در قالب روابط دو کشور از ۲۷ دسامبر ۱۹۳۱ میلادی تا شروع جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه ایران اشاره می‌شود. در نهایت نیز، اقدامات نظامی - اطلاعاتی اردن در حمایت از رژیم بعثی عراق بررسی می‌شود.

## یافته‌های پژوهش

### سیاست خارجی اردن

اردن کشوری کوچک و دارای دولتی ضعیف بوده و نظام سیاست خارجی آن به شدت متمرکز است. بیشتر تصمیمات مرتبط با سیاست خارجی این کشور توسط قدرت‌های بین‌المللی و تهدیدات متعدد محدود شده است. رفتار اردن نسبت به رژیم غاصب صهیونیستی، دول کلیدی جهان عرب و فلسطینی‌ها نشانگر تناقض بین منافع راهبردی و هویت آن‌هاست. موجودیت اردن که همواره با نسخه‌های متعدد عرب‌گرایی درگیر بوده؛ باعث شده تا به‌عنوان نمونه‌ای از یک کشور ضعیف در جهان عرب شناخته شود. سیاست خارجی اردن به بهترین نحو توسط همکاری هویت‌های رقیب اردنی نشان داده شده است. به عبارتی دیگر، سیاست خارجی اردن در واکنش به ائتلاف هویت‌های رقیبش بوده تا اینکه سیاست خارجی مستقلی از خود نشان دهد (Lynch, 2002). این کشور در نگرش خارجی خود نسبت به کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نه تنها روی مؤلفه‌های نظامی بلکه اقتصادی نیز تکیه دارد؛ در نتیجه، به‌عنوان دولتی کوچک و نسبتاً فقیر روی کمک‌های بیرونی و خرد تکیه می‌کند و بخشی از اقتصاد این کشور هم به نیروی کار این کشور وابسته است (کورتیس، ۱۳۹۴)؛ به‌گونه‌ای که در کشورهای همجوار و عرب‌زبان، مشغول به فعالیت اقتصادی و

تجاری هستند. به هرحال، سیاست خارجی اردن متأثر از عوامل متعددی همچون شخص ملک حسین، عوامل حکومتی و جامعه اردن است.

#### ۱. ملک حسین

شاه در کشور اردن از تبار هاشمی و در زمان وقوع جنگ تحمیلی، ملک حسین عهده‌دار سیاست خارجی اردن است؛ وی در ۲ مه ۱۹۵۲ میلادی در ۱۸ سالگی به قدرت رسید و به مدت ۴۷ سال حکومت کرد. از وی با عنوان معمار سیاست خارجی اردن یاد می‌کنند که در واقع توانسته بود توازن ظریفی بین جهان عرب، رژیم غاصب صهیونیستی و آمریکا برقرار کند. ملک حسین با توجه به اینکه طی حاکمیتش توسط تهدیدهای متعدد نظامی از سوی رژیم غاصب صهیونیستی، مصر، سوریه، عراق و جمعیت فلسطینی ساکن اردن و مخالفان سیاسی اردنی رنج می‌برده؛ علاقه بسیاری به داشتن قدرت بالای نظامی داشت (Hughes, 2010). راست‌گرایان عرب به دلیل داشتن همسری مسیحی و نقض سنت‌های عربی، از او به‌عنوان انسانی بی‌ریشه یاد می‌کردند؛ همچنین، چپ‌گرایان عربی وی را به دلیل همکاری با امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی و صهیونیست‌ها خائن دانستند (Taheri, 2007). ملک حسین گرچه به‌عنوان یک فرد خودکامه در جهان سیاست شناخته می‌شود؛ با این حال، مایل بود به‌عنوان یک ملی‌گرای عرب شناخته شود. برکناری جان گلوب ژنرال بریتانیایی (به‌عنوان یکی از پایه‌گذاران ارتش مدرن اردن) توسط او از جمله اقداماتش برای اثبات وفاداری به ملی‌گرایی عربی تلقی می‌شد؛ زیرا، او فکر می‌کرد که اگر نتواند به‌عنوان یک چهره عربی ظاهر شود، سقوط خواهد کرد (Cockburn, 2008). ملک حسین همواره به دلیل خیانت‌های متعدد به ملی‌گرایان عرب، همکاری با آمریکا و بریتانیا، خیانت به آرمان فلسطین و مشارکت با رژیم غاصب صهیونیستی محکوم بوده و در نتیجه با تنگناهای متعددی در حوزه سیاست خارجی اردن روبه‌رو شده است (Rubner, 2008).

با توجه به تاریخ چگونگی شکل‌گیری اردن، شاه مهم‌ترین نقش را در سیاست‌گذاری خارجی این کشور داشته است. هرچند برخی نخست‌وزیران و وزرای خارجه اردن به‌نوبه خود روی سیاست خارجی این کشور همچون نقش وصفی التل در شکست سازمان آزادی‌بخش اردن در ۱۹۷۰ میلادی تأثیرگذار بوده‌اند (Khatib, 1986)؛ اما، تأثیرگذاری آنان در حد اجرای سیاست خارجی این کشور که توسط شاه ترسیم می‌شد؛ باقی می‌ماند (دستور

المملكة الأردنية الهاشمية، مادة ۳۰).

## ۲. عوامل حکومتی

بعد از پادشاهی، عوامل حکومتی متعددی در سیاست خارجی این کشور نقش داشته که شامل ارتش، قوای سه‌گانه و جامعه می‌شود. ارتش بعد از پادشاه اردن نقش مهمی در سیاست خارجی این کشور ایفا می‌کند. چراکه از زمان تأسیس کشور اردن، ارتش این کشور دو کارویژه داخلی (سرکوب هرگونه چالش داخلی مانند آنچه که در دهه ۷۰ میلادی رخ داد) و خارجی (ایفای دفاع در برابر تهدیدات بیرونی) را برعهده داشته است. ارتش در دفاع از کشور در برابر تهدیدات بیرونی بیشترین چالش‌ها را داشته به‌گونه‌ای که در دهه ۱۹۲۰ میلادی از جنوب کشور اردن با وهابیون عربستانی مواجه شده است. همچنین، از غرب با رژیم صهیونیستی و از شمال با سوریه چالش‌های متعددی داشته است (Khatib, 1986). با این حال، ارتش اردن از پادشاه و حامیان وی اطاعت می‌کنند. درواقع، نقش اصلی ارتش، تأمین امنیت کشور و حفاظت از پادشاهی است که رویکرد عرب‌گرایانه و غرب‌گرایانه نسبت به مسائل و چالش‌های اردن دارد. براساس قانون اساسی اردن، ساختار این کشور بر اساس سه رکن مجریه، مقننه و قضائیه قوام یافته است. در رأس قوه مجریه پادشاه قرار دارد و هیأت دولت شاکله اصلی آن را تشکیل می‌دهد. هیئت دولت تحت لوای شاه اردن درخصوص امور مربوط به سیاست خارجی این کشور به رایه مشاوره و اجرای سیاست‌های ابلاغی شاه می‌پردازد (ذنون، ۲۰۰۷). قوای مقننه و قضائیه در سطوح بعدی با نظارت پادشاه اردن روی سیاست خارجی این کشور تأثیر می‌گذارند. البته، تأثیرگذاری آن‌ها روی سیاست خارجی کشور تاحدی بوده که ملک حسین پادشاه وقت اردن، مجلس را در سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۴ به‌دلیل جلوگیری از اخلال در سیاست خارجی کشور منحل اعلام کرده است (Curtis, 2009). جامعه اردن نیز دارای دو عنصر تأثیرگذار روی روند تصمیم‌گیری خارجی اردن درقبال رویدادهای منطقه‌ای بوده که شامل عشایر و اردنی‌های فلسطینی تبار است. باتوجه به دغدغه نظام سلطنتی درزمینه ساخت یک دولت مدرن در اردن، قبایل این کشور نقش مهمی در سیاست‌گذاری خارجی این کشور ایفا کرده‌اند. درواقع، قبایل اردنی بنابه دلایلی همچون ادعای خاندان سلطنتی درباره انتساب به قبیله پیامبر اسلام (انتساب به قریشی و بنی‌هاشم)، بهره‌گیری از مشروعیت نهادینه‌شده دولت از طریق ابزارهای قانونی به‌جای کودتا و احترام



متقابل به سنن یکدیگر، همراه با روابط کاری نزدیک بین آنها به صورت غیرمستقیم در سیاست‌گذاری خارجی این کشور مؤثر بوده‌اند. قبایلی مانند حویطات (به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی نیروهای نظامی اردن)، بنی سخر، بنی سرحان، شمار و بنی حسن مهم‌ترین قبایلی هستند که با تأمین نیروی نظامی اردن نقش خود را در سیاست‌گذاری خارجی اردن ایفا کردند (Khatib, 1986). درباره فلسطینی‌ها نیز باید به این امر اشاره کرد که اردن به دلیل همسایگی با فلسطین و وجود فلسطینی‌های مهاجر پس از جنگ‌های متعدد اعراب-رژیم غاصب صهیونیستی، فلسطین به‌ویژه کرانه باختری تأثیر زیادی روی سیاست‌گذاری خارجی این کشور داشته است. به طوری که حضور فلسطینی‌ها در این کشور موجب تنش‌های متعددی برای اردن شده است. این تنش‌ها ناشی از حضور بیش از حد فلسطینی‌ها در شرق این کشور، عدم وفاداری به کشور اردن و عدم بازگشت آنها به سرزمین‌شان است (Khatib, 1986). با این حال، ملک حسین سعی داشته تا نقش اردن را در حل مسأله فلسطین مهم جلوه دهد (Curtis, 2009). از این رو، نمی‌توان مؤلفه فلسطین را در سیاست خارجی اردن و تصمیمات مرتبط با آن توسط مقامات اردنی نادیده گرفت.

به‌طور کلی، پادشاه اردن در سیاست خارجی این کشور حرف اول و آخر را می‌زند. گرچه، نمی‌توان سایر مؤلفه‌های نظامی، اقتصادی، اجتماعی و حکومتی دخیل در فرایند سیاست‌گذاری خارجی و اجرای آن نادیده گرفت. با این حال، پیوند ارتش با قبایل این کشور و مقامات حکومتی زمینه تأثیرگذاری روی سیاست خارجی این کشور را فراهم می‌آورد؛ مسأله فلسطین و مهاجرین فلسطینی در اردن نیز بیشتر به‌عنوان عوامل چالش‌زا در سیاست خارجی این کشور مطرح هستند و به‌جای ایجاد فرصت در سیاست خارجی این کشور زمینه فرصت‌سوزی و تهدیدزایی (به‌دلیل موقعیت جغرافیایی یعنی همسایگی با رژیم غاصب صهیونیستی و ترس از جنگ پرهزینه دیگر) فراهم کرده است.

### روابط اردن و عراق

با شروع جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه ایران، اردن در سیاست خارجی خود به دلیل مشکلات مرزی با سوریه و فضای حاکم‌بر جهان عرب به برقراری روابط با عراق روی آورد. برای درک عمیق‌تر اقدامات اردن طی این جنگ، باید به بررسی روابط جداگانه اردن و عراق طی هشت سال جنگ تحمیلی به صورت تفصیلی پرداخته شود. ریشه روابط عراق و

اردن به تأسیس دو دولت در سال ۱۹۲۱ میلادی، هنگامی که ملک فیصل حاکمیت عراق و امیر عبدا... حاکمیت شرق اردن را برعهده داشته؛ برمی گردد (موسی، ۱۹۹۶). روابط بین دو کشور در این دوران مبتنی بر تفاهم و همکاری بوده و معاهدات متعددی همچون معاهده دوستی و حسن همجواری بین عراق و اردن در ۲۷ مارس ۱۹۳۱ میلادی امضا شده است (محافظه، ۱۹۹۵: ۱۲۱). پس از آنکه منصب وزیر امور خارجه برای نخستین بار در ۱۹۳۹ میلادی در اردن تعیین شد؛ بغداد، به عنوان نزدیک ترین متحد این کشور، نمایندگی دیپلماتیک اردن را پذیرفت (الحضرمی، ۲۰۱۰). به دنبال آن، کنسولگری اردن در بغداد از ۱۹۴۱ میلادی، درصدد توسعه روابط دیپلماتیک با عراق برآمد و این روابط گرم تا ۱۹۵۰ میلادی روبه گسترش بود (الشعر، ۲۰۱۰). در دوره ملک عبدا... ماهیت روابط بین دو کشور مشخص شد و متغیرهای مؤثری همچون تأسیس اتحادیه عرب و حوادث پس از جنگ دوم جهانی باعث شد تا مواضع رؤسای دو کشور در سایه دیدارهای متعدد با یکدیگر هماهنگ شود (خماس، ۲۰۱۱). با کودتای ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ میلادی و فروپاشی نظام پادشاهی عراق، روابط عراق و اردن سرد و روابط فی مابین پس از کشتار خونین وابستگان سلطنتی عراق توسط عبدالکریم قاسم بحرانی شد و به دنبال آن هیأت دولت اردن به ریاست ملک حسین طی جلسه‌ای در ۲۰ ژوئیه ۱۹۵۸ میلادی روابط رسمی خود را با عراق قطع کرد (الزهیری، ۲۰۱۰). با به قدرت رسیدن حزب بعثی عراق به ریاست حسن البکر در ۱۴ ژوئیه ۱۹۶۸ میلادی و سپس، صدام حسین در ۱۹۷۹ میلادی، روابط عراق و اردن وارد مرحله تازه‌ای شد. به طوری که تا اواخر دهه ۷۰ میلادی این روابط به دلیل اختلافات ایدئولوژیک، وجود متحدین متفاوت از یکدیگر، موضع متفاوت درقبال مسأله فلسطین و تقسیم‌بندی جهان عرب به دو بخش واپس‌گرا و پیشرو توسط حزب بعثی عراق تحت تأثیر قرار گرفت. با این اوصاف، بنابه دلایلی همچون قرارگرفتن اردن در خط مقدم عرب در برابر رژیم غاصب صهیونیستی، اهمیت تجاری برای عراق به‌ویژه به دلیل احتمال بسته‌شدن راه تجاری از سوی ترکیه و احتمال سردی روابط با سوریه، روابط محتاطانه‌ای با اردن توسط عراق پیگیری می‌شد (حسن، ۲۰۰۶: ۲).

روابط این دو کشور از سال ۱۹۷۰ میلادی تا پایان جنگ هشت‌ساله رژیم بعثی عراق علیه ایران به شرح ذیل برقرار بوده است.

۱. دوره گروه‌های مسلح: در سپتامبر ۱۹۷۰ میلادی، درگیری‌های متعددی بین گروه‌های

مقاومت فلسطینی و نیروهای مسلح اردنی در اردن رخ داد و همزمان نیز، عراق اقدام به ایجاد جبهه آزادی‌بخش عربی کرده بود و خواستار الحاق مردم عراق و اعراب به آن جهت تحقق آزادی فلسطین شد؛ در نهایت، روابط دو کشور وخیم شد؛ در ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۱ میلادی، عراق روابط خود را با اردن قطع کرد؛ سفیر اردن را فراخواند و مرزهای مشترکش را با اردن بست (حمدی، ۲۰۰۷).

۲. جنگ اکتبر ۱۹۷۳ میلادی: روابط بین دو کشور طی این دوران آشکارا دچار تحول شد؛ به‌گونه‌ای که عراق گروه زرهی سوم ارتش خود را برای کمک به اردن ضد نیروهای رژیم غاصب صهیونیستی اعزام کرد و متعاقب آن تأثیر زیادی روی روابط بین دو کشور عراق و اردن برجای گذاشت (حسان، ۲۰۰۷: ۳۰) و موجب ارتقای روابط بین دو کشور شد.

۳. جنگ هشت‌ساله تحمیلی: با شروع جنگ تحمیلی رژیم بعثی عراق علیه ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی، اردن کمک‌های نامحدودی به عراق کرد. به‌گونه‌ای که اردن کمک‌های متعددی همچون نظامی، اقتصادی و رسانه‌ای به عراق کرد و درمقابل، عراق به شیوه‌های متعدد نفت ارزان خود را وارد اردن می‌کرد (حسان، ۲۰۰۷: ۳۱) و پس از دو روز از آغاز جنگ، شاه حسین و نخست وزیرش مضر بدران به بغداد سفر کرده و آمادگی خود را برای ارائه کمک‌های نظامی به عراق اعلان کردند. همچنین، با آغاز جنگ در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی، اردن به‌عنوان نخستین دولت عربی اعلان کرد که در روز ۲۴ سپتامبر کمک‌های خود را به عراق خواهد رساند. همچنین، پس از برگزاری جلسه سران اتحادیه عرب در امان (روز ۲۵ نوامبر سال ۱۹۸۰ میلادی)، در بیانیه پایانی روی حقوق زمینی و آبی عراق تأکید و پیشنهادهایی از سوی اردن به عراق ارائه شد (خماس، ۲۰۱۱). طی جنگ تحمیلی نیز ملک حسین با انجام سفرهای متعدد به عراق، قراردادهای اقتصادی امضا کرد؛ حتی، پس از آن نیز ملک حسین طی دیدار خود از عراق در ۱۵ اوت ۱۹۸۸ میلادی، صدام تسلیحات متعددی که در جنگ علیه ایران به غنیمت برده بود، به ملک حسین هدیه داد. همچنین، وی در حدود ۳ میلیون دلار به پادشاهی اردن اعطا کرد (حمدی، ۲۰۰۷). به‌طور کلی از این دوران می‌توان باعنوان اتحاد جدید عراق و اردن یاد کرد و چنین اتحاد جدیدی در تاریخ روابط میان این دو کشور قابل‌توجه بوده است؛ چراکه قبل از آن، این روابط به‌ویژه از ۱۹۵۸ تا ۱۹۷۸ با نوسان زیادی روبه‌رو بوده است. درواقع، پس از گذشت بیست سال از انقلاب عراق، حکومت‌های

امان و بغداد، نه تنها روابط حسنه و قدرتمندی ایجاد نکردند؛ بلکه، باوجود آگاهی تاریخی از روابطشان، روابط نزدیک‌تری را برقرار کردند. در مجموع، تهدیدات بیرونی - از کمپ دیوید تا انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی - روی ملاحظات امنیتی دول جنوب غرب آسیا تأثیر گذاشت. گرچه، تأثیر آن‌ها روی اردن تنها موجب شد تا سران این کشور تصمیماتی برخلاف آن چیزی که خودشان می‌خواستند بگیرند. اردن سرمایه مهم راهبردی برای عراق طی جنگ طولانی مدت علیه ایران شد. در واقع، این هشت سال منجر به تقویت روابط عراق و اردن شد و تأثیر مهمی روی قدرت چانه‌زنی رژیم هاشمی در بحران خلیج فارس در دهه ۹۰ میلادی گذاشت (Curtis, 2009).

### اقدامات نظامی - اطلاعاتی اردن در جنگ تحمیلی

پیش از آن که درباره اقدامات اردن در حمایت از رژیم بعثی عراق طی جنگ تحمیلی علیه ایران پرداخته، بایستی به چرایی انجام چنین اقدامات حمایت‌گرایانه‌ای از سوی اردن توجه شود. دلایل اتخاذ اقدامات اردن در راستای حمایت از رژیم بعثی عراق به شرح ذیل است.

#### الف - انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران برای بیشتر کشورهای محافظه‌کار عربی به‌ویژه اردن زنگ خطر به حساب می‌آمد؛ چراکه انقلاب اسلامی ایران به آسیب‌پذیری حاکمیت آن‌ها در برابر بنیادگرایی اسلامی و نارضایتی اجتماعی دامن می‌زد. ماهیت به اصطلاح توسعه‌طلبانه حکومت ایران انقلابی، هراس اعراب را بیشتر کرد. همچنین، موضوع صدور انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی جدید به طرح‌های جدید آشوب تعبیر شد (لوی و فروئیچ، ۱۳۹۰). از طرف دیگر، سیاست‌های غرب‌ستیزانه ایران انتقادات شدید این کشور را از حکومت پادشاهی اردن به همراه داشت؛ انتقاداتی که تنفر و خصومت شدیدی را میان رهبران سیاسی دو کشور پدید آورد (حسینی، ۱۳۸۱).

#### ب - کمک‌های اقتصادی

عامل دیگر برای حمایت اردن از رژیم بعثی، کمک‌های اقتصادی سخاوتمندانه عراق به خزانه ملک‌حسین و احتمالاً، وعده کمک‌های اقتصادی بیشتر از سوی عراق به اردن در صورت پیروزی این کشور بر ایران بود (Ramazani, 1986). در واقع، آنچه برای امور داخلی

اردن با اهمیت تلقی می‌شد، مجموعه‌ای از سرمایه‌گذاری‌هایی بوده که رژیم بعثی عراق در این کشور انجام داده بود. در واقع، عراق کمک‌های خود را به توسعه تأسیسات بندر عقبه و علاوه بر آن، به توسعه زیرساخت‌های اردن همچون جاده‌ها به‌ویژه جاده‌هایی که از عقبه به بغداد کشیده شده بود، اختصاص داده است (Gubser, 1986). همچنین، محصولات کشاورزی زیادی به اردن صادر می‌شد و از بابت فروش تسلیحات به عراق و دریافت وام‌های متعدد، مزایای اقتصادی فراوانی برای اردن فراهم شده بود.

### ج - وضعیت جغرافیایی

سومین عامل به وضعیت جغرافیایی اردن مربوط می‌شد. در واقع، اردن به دلیل نداشتن مرز مشترک با ایران و دوری از جبهه‌های جنگ، اطمینان داشت که جانبداری رسمی‌اش از عراق، این کشور را در معرض حملات تلافی‌جویانه ایران قرار نخواهد داد.

### د - ناسیونالیسم عربی

ناسیونالیسم عربی آخرین عاملی بود که اردن را به جانبداری از عراق سوق می‌داد؛ عاملی که بیشتر به‌عنوان عامل توجیه‌کننده و مشروعیت‌دهنده به نقش این کشور در جنگ عمل کرد (حسینی، ۱۳۸۱). در واقع، اشتراک عربی در برابر کشوری غیرعرب منجر به وحدت بین بیشتر اعراب شد. البته، نایستی فراموش کرد که کشورهای همچون سوریه و لیبی با حمایت از ایران در جنگ تحمیل شده از سوی رژیم بعثی عراق، باعث شکاف در جهان عرب و عدم اجماع آنان در برابر ایران اسلامی شد. با این حال، فضای حاکم بر جهان عرب، آرزوی وحدت دول عربی و نیاز اردن به بازگشت به جهان عرب به دلیل صلح با رژیم غاصب صهیونیستی منجر به محکومیت ایران و حمایت از رژیم بعثی عراق (به‌عنوان نماد اعراب) شد. حمایت سوریه از ایران اسلامی و اختلافات این کشور با عراق منجر به برهم خوردن توازن قدرت در جهان عرب شد؛ در نتیجه، اردن با توجه به فضای حاکم در بین اعراب و مزایای متعدد ناشی از اتحاد با عراق طی جنگ، به این کشور روی آورد و با توجه به برهم خوردن توازن قدرت، اردن عراق را به سوریه ترجیح داد. در این پژوهش، با توجه به اهمیت مسائل نظامی و اطلاعاتی در جنگ و نقش حیاتی آن در پیشروی دشمن، اقدامات نظامی و اطلاعاتی اردن در حمایت از ارتش بعثی عراق تشریح می‌شود.

### ۱. اقدامات سیاسی - اطلاعاتی

به‌طور کلی تبادل اطلاعاتی به دلیل نقش حیاتی داده‌ها برای طرفین یا یک طرف خاص

در بین بسیاری از کشورها مرسوم بوده و بر همین اساس، رژیم بعثی عراق به دلیل حساسیت جنگ با جمهوری اسلامی ایران و نیاز به داده‌های حیاتی مربوط به آن با سازمان‌های اطلاعاتی غربی - عربی همکاری گسترده‌ای داشته است. در این زمینه اردن با روش‌هایی همچون ایجاد محل امن تبادلاتی و همکاری اطلاعاتی با رژیم بعثی به اقدامات حمایتی پرداخته است.

باتوجه به روابط نزدیک عراق و اردن در هشت سال جنگ تحمیلی علیه ایران و اطمینان مقامات رسمی عراقی از سران این کشور، اردن به‌عنوان تنها محلی شناخته می‌شد که رژیم بعثی عراق می‌توانست از طریق آن به اطلاعات حساس نظامی که از سوی سایر سازمان‌های اطلاعاتی غربی همچون سیا جمع‌آوری می‌شد، دست یابد. در این زمینه ویلیام کیسی رئیس وقت سیا در سفر به امان پایتخت اردن در سال ۱۹۸۲ میلادی، با برزان رئیس سازمان اطلاعاتی عراق دیدار کرد. کیسی در امان پس از گفتگوهای متعدد با برزان پیوند اطلاعاتی آمریکا و عراق را برقرار و آمریکا پیش از اعزام سفیر به بغداد، یک رئیس تمام وقت ایستگاه اطلاعاتی را در بغداد مستقر ساخت. نقش اردن را به‌عنوان واسطه‌گر اطلاعاتی می‌توان از تفسیر روزنامه وال استریت دربارهٔ مصاحبه طه یاسین درک کرد. در این خصوص، این روزنامه در تحلیل خود اینچنین آورده است: «اگر اظهارات طه یاسین رمضان درست باشد و اطلاعات نادرست در اختیار اردن و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز گذاشته شده باشد، به‌نظر می‌رسد که ایالات متحده نه‌فقط به ایران و عراق بلکه به چند کشور اطلاعات نادرست داده و مسلماً بیش ازپیش به اعتبار ایالات متحده در خاورمیانه لطمه خواهد خورد». این تحلیل، نشان‌دهندهٔ تحویل اطلاعات نظامی به اردن بوده که پس از آن به عراق داده شده است. در بخش دیگری از تفسیر این روزنامه آمده بود: «مقامات اردنی هفتهٔ پیش کوشیدند عراق را قانع سازند تا شاید تجزیه و تحلیل ایالات متحده از آن اطلاعات نادرست بوده و آمریکا واقعاً قصد نداشته عراق را فریب دهد» (درودیان، ۱۳۹۱) درواقع، اردن به‌عنوان یک محل امن اطلاعاتی برای عراق، باعث شده بود تا روزنامهٔ وال استریت بر مبنای مصاحبهٔ طه یاسین رمضان به‌صورت غیرمستقیم به اطلاعاتی که سیا در اختیار اردن گذاشته و از این طریق داده‌ها (هرچند اشتباه و غلط) به دست مقامات عراقی رسیده، اشاره کند. از سوی دیگر از طریق هماهنگی با سازمان‌های اطلاعاتی غربی، بارها به‌جای عراق از واژهٔ اردن در جهت انتقال محموله‌های نظامی به عراق استفاده می‌شد تا روی تحویل چنین محموله‌هایی سرپوش گذاشته شود که اردن نیز

محل مشخصی برای تهیه مدارک جعلی مربوط به محموله‌ها بود (الساقی، ۱۳۸۷). در واقع، استفاده از نام جعلی اردن که با هماهنگی سازمان اطلاعات این کشور بوده نشان می‌دهد که رژیم بعثی عراق باتوجه به اعتماد به این کشور توانسته با استفاده از نام این کشور محموله‌های نظامی موردنظر خود را دریافت کند.

سازمان اطلاعات اردن که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و حرفه‌ای‌ترین نهادهای اطلاعاتی در جهان عرب شناخته شده (Warrick, 2011)، نقش خود را در ارائه اطلاعات نظامی حساس و مرتبط با تحرکات دفاعی - نظامی ایران در جنگ به عراق ایفا کرده است. از سوی دیگر، عراق باتوجه به ضعف سازمان‌های اطلاعاتی سایر کشورهای عربی و عدم اعتماد نسبی رژیم به آن‌ها، نمی‌توانست چندان از آن‌ها درخواست اطلاعات حیاتی نماید؛ با این حال، باتوجه به روابط خوب هر دو کشور با یکدیگر، سازمان اطلاعاتی اردن می‌توانست مهم‌ترین شریک اطلاعاتی عراق باشد. از این‌رو، مقامات عراقی در میان کشورهای عربی تنها از اردن درخواست کمک اطلاعاتی کرده بودند (درودیان، ۱۳۹۱). درباره اهمیت داده‌ها و اطلاعات مهمی که مقامات اردنی درخصوص وضعیت دفاعی - نظامی ایران به بعثی‌ها می‌دادند؛ و فیک سامرایی در کتاب خود به دستیابی به داده‌هایی همچون تعداد نیروهای نظامی ایران و چینش آن‌ها، توان‌مندی رزمی آن‌ها و آگاهی از محورهای عملیاتی اشاره داشته است (سامرایی، ۱۳۹۳). در واقع، و فیک سامرایی به‌عنوان یکی از فرماندهان نظامی عالی‌رتبه عراقی در جنگ تحمیلی به صحت اطلاعات دریافتی از طرف اردنی اذعان و در حقیقت با بهره‌گیری از داده‌های حیاتی مرتبط به آن، روی نیروهای نظامی ایرانی سلطه اطلاعاتی داشته است. علاوه بر آن، وی جهت دستیابی به اطلاعات حساس درباره ایران به سفرهای متعدد خود به اردن نیز اشاره داشته است (سامرایی، ۱۳۹۳).

## ۲ - اقدامات نظامی

در این بخش از مطالب مقاله، به بررسی حمایت‌های نظامی اردن از رژیم بعث عراق در جنگ تحمیلی هشت‌ساله علیه ایران در قالب موارد ذیل پرداخته می‌شود.

### اردن و تسلیحات جنگی

در زمینه تسلیحات جنگی، حکومت وقت اردن چندین کارویژه نظامی شامل دلالی‌گری اسلحه برای عراق، مساعدت تسلیحاتی و محل امن نگهداری تسلیحات عراقی را در راستای

حمایت از ارتش بعثی عراق نشان داده است. اردن در جنگ تحمیلی، نقش واسطه‌گر و دریچه انتقال تسلیحات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به سمت عراق داشته که در این زمینه، حویش دلال اردنی تسلیحات طی دیدار خود با ملک حسین اینچنین گفته است: «پس از گذشت تقریباً یک سال، فهرست خریدهای قبلی تکمیل شده و سازمان اطلاعاتی آمریکا، اردن را به‌عنوان معبری مناسب برای ارسال تسلیحات به عراق برگزیده است.» (الساقی، ۱۳۸۷). درواقع، اردن به‌دلیل مجاورت جغرافیایی، برخورداری از جاده‌های مشترک با عراق و وجود بندر راهبردی عقبه محل مناسبی برای خرید تجهیزات نظامی برای عراق و ارسال آن‌ها از سوی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است (منطقی، ۱۳۷۲). همان‌طور که پیشتر بیان شد بندر عقبه اردن برای عراق اهمیت حیاتی داشته؛ چراکه رژیم بعثی عراق به‌دلیل قطع رفت‌وآمد کشتی‌ها از اروندرود و بسته‌شدن بندر راهبردی بصره از یک‌سو و نیاز فراوان عراق به انواع کالاهای نظامی از سوی دیگر، به این بندر راهبردی دست پیدا کرد؛ به‌گونه‌ای که حدود صدها خودرو سنگین حامل تجهیزات و تسلیحات نظامی از مرزهای اردن وارد این کشور شده است (لطف‌الله‌زادگان، ۱۳۹۰).

از مهم‌ترین مصادیق عینی نقش اردن در انتقال تسلیحات به عراق، انتقال عوامل مهم تولید گاز خردل از کشورهای غربی به عراق بوده که واشینگتن پست طی مقاله‌ای (ژانویه سال ۱۹۸۹ میلادی) با جزئیات آن را تشریح کرده است. بر اساس این گزارش، امور گمرک آمریکا، دستگیری دو شهروند آمریکایی و هلندی را اعلام کرد. این دو نفر، مسئولیت صادرات غیرقانونی ۴۰۰ تن مواد تیودیگلیکول<sup>۱</sup> به اردن را برعهده داشته که برای ارسال به عراق به‌وسیله کشتی بارگیری شده بود (مفید و خرمی، ۱۳۸۲). همچنین، بایستی اشاره کرد که باوجود ممنوعیت صادرات تسلیحات به طرفین درگیر جنگ تحمیلی از سوی رژیم بعثی عراق، در سال ۱۹۸۲ میلادی ارتش اردن نسبت به انتقال بالگردهای آمریکایی به عراق جهت تقویت نیروی هوایی این کشور اقدام کرد (الساقی، ۱۳۸۷). اردن علاوه‌بر ایجاد معبر تسلیحاتی، کارویژه کمک مستقیم تسلیحاتی به رژیم بعثی در راستای حمایت مستقیم از ارتش صدام علیه ایران را برعهده داشت. درواقع، دولت اردن تسلیحات خریداری‌شده همچون ۱۰۰ تانک خریداری‌شده از آمریکا را به عراق می‌فروخت؛ تا آنجاکه، ملک حسین مستقیماً اعلان

1. Thiodiglycol



کرد که ارتش اردن تمامی امکانات خود را در اختیار ارتش عراق قرار خواهد داد (سلیمی، ۱۳۹۳). این کشور به نمایندگی از طرف عراق نیز مقادیر زیادی اسلحه از چین، شوروی و برخی کشورهای غربی مانند انگلستان، اسپانیا و آمریکا خرید. به دنبال خرید انواع تسلیحات مدرن از سوی کشورهای فرامنطقه‌ای، اردن به تحویل بخش اعظمی از آن‌ها به عراق مبادرت کرد؛ در واقع، ملک حسین با این کار، هم دوستی و نزدیکی خود را به صدام حسین اثبات می‌کرد و هم به منبع درآمدی هنگفتی دست یافت. البته، نبایستی فراموش کرد که یکی از عوامل تسهیل تحویل و فروش تسلیحات از سوی اردن به عراق مجوز دولت ریگان به کشورهای عربی همچون اردن جهت ارسال تسلیحات نظامی به عراق با وجود تخطی از قانون کنترل صادرات اسلحه در سال ۱۹۷۶ بود (Track, 1998). از آنجایی که اردن نسبت به سایر کشورهای عربی به دلیل روابط نزدیک و قرابت ژئوپولیتیک نسبتاً مورد اعتماد صدام حسین بود، این کشور محل امنی برای تسلیحات حیاتی عراق بوده است. به طور مثال، نیروی هوایی عراق به جای درگیر شدن با نیروی هوایی ایران، بیشتر هواپیماهای خود را به اردن فرستاد و در فرودگاه این کشور مستقر کرد؛ تصمیمی که باز هم تحت تأثیر ملاحظات سیاسی اتخاذ شد. صدام با این کار می‌خواست مطمئن شود که در صورت حمله متقابل ایرانی‌ها برای سرنگون کردن رژیم بعثی عراق، نیروی هوایی اش برای دفاع نهایی از کشور باقی بماند (حیدری، ۱۳۹۱). در واقع، پذیرش هواپیماهای عراقی از سوی اردن به منزله حمایت نظامی این کشور از عراق حتی در زمان شکست نظامی از سوی ایران بوده است. به عبارت دیگر، اردن در مقوله حمایت نظامی از پیروزی تا حتی شکست نظامی رژیم بعثی عراق، نقش پشتیبانی خود را بازی خواهد کرد.

### اعزام نیرو

اردن در پی اقدامات خود در حمایت نظامی - تسلیحاتی از رژیم بعثی صدام، به اعزام نیروهای نظامی نیز پرداخته است. البته، اعزام نیرو از سوی اردن زمانی شدت می‌گیرد که نفوذ ایران در عراق به دلیل پیروزی در عملیات خرمشهر افزایش می‌یابد؛ رادیو آمریکا طی تحلیلی در این زمینه می‌گوید: «این هفته با پیروزی سریع ایران در خرمشهر خاتمه یافت؛ اما، اگر ایران به داخل خاک عراق پیش برود، اردن، مراکش، عربستان سعودی و مصر احتمالاً با اعزام نیروی نظامی به کمک عراق می‌آیند (منطقی، ۱۳۷۲). حتی ملک حسین نیز طی نطقی اظهار

داشت: «اگر ضرورت ایجاد کند نیروهای بیشتری را به عراق اعزام خواهیم کرد» (رودباری، ۱۳۷۵)؛ بر همین اساس، نظامیان اردنی را برای حمایت از رژیم و ارتش بعثی صدام به عراق گسیل داشت. حتی، زمانی که سربازان اردنی در عملیات رمضان توسط رزمندگان اسلام اسیر می‌شوند، ارتش بعثی عراق نیز اعلان می‌کند که دسته‌های داوطلب از اردن به جبهه می‌رسند (منطقی، ۱۳۷۲). همچنین به دلیل شایعه حمله ایران به بصره، نیروهای نظامی از چند کشور عربی مانند نیروهای اردنی به همراه لشکرهای ۵، ۶، ۸ و تیپ ۱۰ زرهی، یک تیپ نیروی مخصوص و تیپ ۳۲۰ زرهی عراق در این منطقه مستقر شدند (خداوردی، ۱۳۹۱). دو سال پس از جنگ، ملک حسین پادشاه اردن و فرمانده نیروهای مسلح این کشور، در یک اقدام غیرمنتظره برای دیدار با صدام حسین و مسئولان نظامی عراق وارد بغداد شد. شبکه بی بی سی پس از این دیدار در گزارش خود، پیش‌بینی کرده بود که ملک حسین قصد دارد سربازان اردنی بیشتری را برای نبرد با جمهوری اسلامی ایران به عراق اعزام کند (لطف‌الله‌زادگان، ۱۳۸۹). در این مقطع زمانی، ملک حسین از ارتش خود خواست تا برای کمک به سربازان عراقی اعزام شوند. در این خصوص، سازمانی با نام تیپ یرموک ایجاد شد تا روی اعزام نیروهای اردنی به مناطق جنگی نظارت کند و به دنبال آن نیروهای نظامی اردنی روانه عراق شدند (سامرای، ۱۳۹۳). در خصوص خدمات مستشاری نظامی نیز اردن به دلیل تجربه بیشتر در جنگ و دارا بودن نیروی متخصص در نیروی هوایی و زمینی، گروهی از افسران خود را برای اداره واحدهای نیروی هوایی و توپخانه ارتش بعثی عراق به این کشور اعزام کرد (فوزی و دیگران، ۱۳۸۱). از این‌رو، گروهی شامل پانزده خلبان نظامی به همراه پنجاه تکنسین اردنی به نیروی هوایی عراق منتقل شد (Razoux, 2015). نکته حائز اهمیت، این است که موارد بیان‌شده فقط بخشی از کمک‌هایی است که به صورت آشکار از رسانه‌ها اعلام شده؛ وگرنه، بسیاری از اقدامات حمایتی به صورت مخفی انجام می‌شده که طبعاً بازگو نشده است. کشورها در هنگام جنگ باهدف تأثیرگذاری بیشتر و بهره‌مندی از تجارب و تخصص یکدیگر در امور نظامی، اقدام به تأسیس فرماندهی مشترک نظامی می‌کنند. بر همین مبنا، ارتش اردن در راستای هماهنگی مشترک در امور نظامی با رژیم بعثی عراق در دوران جنگ تحمیلی علیه ایران و در نتیجه، تأثیرگذاری بیشتر روی روند جنگ به سود عراق، اقدام به تأسیس فرماندهی نظامی مشترک طی موافقت‌نامه ۲۷ اکتبر ۱۹۸۰ میلادی کرد که به دنبال آن وضعیت عراق در

جبهه‌های جنگ بهتر شد به گونه‌ای که عمق راهبردی ارتش بعثی عراق از طریق این فرماندهی و دستیابی به امکانات نظامی اردنی بیشتر شد (داون و نعمتی، ۱۳۹۳).

## نتیجه‌گیری

به‌طور کلی پادشاهی اردن به‌عنوان حکومتی عربی در منطقه، درگیر تناقضات متعدد در سیاست خارجی خود بوده است. با این حال، شرایط ناشی از جنگ تحمیلی و انتخاب بین سکوت و حمایت از رژیم بعثی صدام حسین، سرانجام ملک حسین را متقاعد کرد که به حمایت از این رژیم در برابر ایران اسلامی بپردازد. این حمایت در جنگ از همان لحظات آغازین تا همراهی با شخص صدام حسین در صحنه نظامی، دیدار با وی با یونیفورم نظامی و تصویب و اجرای تحمیلی قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد ادامه داشت. در واقع، اردن با اتخاذ حیاتی‌ترین اقدامات نظامی - اطلاعاتی نقش چشمگیری را در حفظ رژیم بعثی عراق و توسعه آن در جنگ تحمیلی علیه ایران داشته است. این حمایت‌ها تا جایی بود که در بین تحلیلگران از اردن با عنوان مهم‌ترین و باثبات‌ترین کشور در بین سایر بازیگران جهان عرب یاد می‌کنند.

اقدامات و سیاست‌های اردن در راستای حمایت از رژیم بعثی عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران به‌صورت شبکه‌ای و مرتبط با یکدیگر در نظر گرفته می‌شد. به‌عبارتی دیگر، اقدامات سیاسی، اطلاعاتی و نظامی مکمل یکدیگر بوده و جهت تأمین منافع اردن اتخاذ شده است. عملکرد نظامی - اطلاعاتی طی هشت سال جنگ نابرابر نشان داده که این کشور خواهان بهره‌برداری از آن در ابعاد مختلف بوده و تاحدی نیز موفق بوده است. به‌گونه‌ای که در زمینه مباحث نظامی و اطلاعاتی توانسته اهمیت خود را برای رژیم بعثی صدام حسین نشان دهد و بتواند از طریق آن علاوه بر گسترش ارتباطات نظامی - اطلاعاتی با غرب، به فروش آن‌ها و خدمات مرتبط با آن مبادرت ورزد. براساس نظریه توازن تهدید، جمهوری اسلامی ایران در اوایل انقلاب اسلامی بنابه دلایل ایدئوژیک و ژئوپولیتیک از سوی بیشتر کشورهای عربی به‌عنوان تهدید تلقی شده و بر اساس این نگرش بوده که بیشتر کشورهای عربی به اتحاد با رژیم بعثی عراق روی آوردند. سخن پایانی این پژوهش آن است که اردن در زمان جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران نشان داده که به‌عنوان شریک فعال صدام در بخش‌های اطلاعاتی - نظامی توانسته حرفی برای گفتن داشته باشد و به اختلال در روند اطلاعاتی و

نظامی‌گری ایران در آن مقطع زمانی منجر شود. در نتیجه، ضرورت ایجاب می‌کند که مقامات لشکری - نظامی جمهوری اسلامی ایران در شرایط کنونی با بهره‌مندی از تجارب ارزشمند هشت‌سال جنگ تحمیلی باید هوشیارانه نسبت به مسائل نظامی دشمنان و متحدین آن‌ها واکنش نشان دهند.

## فهرست منابع

- آزادی، افشین؛ ترابی، محمد و حیدرپور، ماشاءالله (۱۳۹۹). «جمهوری اسلامی ایران و فضای مجازی؛ راهکارهایی برای حل چالش‌ها»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال ششم، شماره ۳.
- جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۳، شماره ۸.
- حسان، هیثم حسن (۲۰۰۳). «السیاسة الخارجية الاردنية تجاه العراق ۱۹۹۰ - ۱۹۹۸» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، الجامعة الأردنية، عمان، الأردن.
- حسن، علی دنیف (۲۰۰۶). «العلاقات العراقية الأردنية ۱۹۲۱ - ۲۰۰۳» صحیفه الصباح العراقية.
- حسینی، مختار (۱۳۸۱). نقش ناسیونالیسم عربی در جنگ ایران و عراق، فصلنامه تخصصی جنگ ایران و عراق، ۱۹ - ۳۲.
- الحضرمی، عمر (۲۰۱۰). وزارة الخارجية الاردنية في سطور، مجلة الدبلوماسية الاردنية، ۲۰ - ۳۲.
- حکومت المملكة الاردنية الهاشمية، دستور المملكة الاردنية الهاشمية، <http://www.pm.gov.jo/category/1405786118>، ۲۰۱۶/۲/۷، ۲۰۱۹/۳/۱۸.
- حمدی، عثمان فتحی صالح (۲۰۰۷). «العلاقات العراقية - الأردنية ۱۹۶۸ - ۱۹۹۱» دراسة تاريخية، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، الجامعة الموصل، الموصل، العراق.
- خداوردی، مهدی (۱۳۹۱). بررسی زمین و وضعیت دشمن در عملیات خیبر، فصلنامه تخصصی جنگ ایران و عراق.
- خماس، عدی اسعد (۲۰۱۱). الاحتلال الأمريكي للعراق و أثره على العلاقات العراقية - الأردنية. پایان‌نامه ارشد، دانشگاه الشرق الاوسط.
- داون، برایان جی و نعمتی، یعقوب (۱۳۹۳). مراحل جنگ اول خلیج فارس (جنگ ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰)، فصلنامه تخصصی جنگ ایران و عراق، ۷۷ - ۱۰۱.
- درودیان، محمد (۱۳۹۱). آغاز تا پایان: بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، انتشارات مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران، چاپ هفدهم.

- ذنون، فواز (۲۰۰۷). هیکلیة النظام السياسى فى المملكة الأردنيّة، الدراسات الاقليمية، ۱ - ۲۴.
- رودبارى، سوافيلی (۱۳۷۵). کتاب سبز کويت، تهران، وزارت امور خارجه.
- الزهيرى، زينب عبد الحسن (۲۰۱۰). عبد الرحمن عارف حياته ودوره السياسى فى العراق للفترة (۱۹۱۶ - ۲۰۰۷)، (رسالة دكتورى)، دانشگاه یرموک، اربد، اردن.
- زيبايى نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۸۷-۲۰۶.
- الساقى، على (۱۳۸۷). قراردادها و نیرنگ‌ها (زندگی و سرنوشت حسین کامل)، تهران، انتشارات سورة مهر.
- سامرايى، وفیق (۱۳۹۳). ویرانی دروازه شرقی، ترجمه: عدنان قارونى، تهران، مرکز اسناد و دفاع مقدس پاسداران انقلاب اسلامی.
- سلیمی، صادق (۱۳۹۳). عراق و آمریکا در جنگ تحمیلی؛ پیوستگی هدف و همسویی عملکرد، فصلنامه تخصصی جنگ ایران و عراق، ۷۸ - ۸۵.
- سیفی، عبدالمجید و پورحسن، ناصر (۱۳۹۷). داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، ۳۷ - ۶۳.
- شربل، غسان (۱۳۸۵). صدام از اینجا عبور کرد، ترجمه: سیدعلی موسوی خلخالی، تهران: نشر الکترونیک خانه کتاب.
- الشعر، هند (۲۰۱۰). العلاقات الدبلوماسية فى عهد إمارة شرقی الأردن (۱۹۲۱ - ۱۹۴۶) العراق نموذجاً، المؤتمر الذى عقدته الجامعة الهاشمية الأردن: دبلوماسية عربية فى العالم للفترة من ۱ - ۳ كانون الأول ۲۰۱۰، الزرقاء، الأردن.
- کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان.
- کورتیس، رایان (۱۳۹۴). پادشاهی اردن هاشمی. در: سیاست و حکومت در خاورمیانه و شمال آفریقا. نوشته: مارک گازیروسکی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- لوی، جک اس و فروئیچ، مایک (۱۳۹۰). علل وقوع جنگ ایران و عراق، فصلنامه تخصصی جنگ عراق و ایران، ۱۱۷ - ۱۳۲.
- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، ترجمه: غلامعلی چنگی زاده، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- محافظه، محمد (۱۹۹۵). المملكة الأردنيّة الهاشمية بناؤها وتحصينها فى عشرين عاماً ۱۹۴۶ - ۱۹۶۶، عمان، وزارة الثقافة.

- مفید، کامران و خرمی، محمدعلی (۱۳۸۲). هزینه‌های نظامی ایران در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی، فصلنامه تخصصی جنگ ایران و عراق، ۴۲ - ۵۵.
- منطقی، مرتضی (۱۳۷۲). نگاهی به هشت سال جنگ تبلیغاتی، تهران، جهاد دانشگاهی.
- موسی، سلیمان (۱۹۹۶). تاریخ الأردن فی القرن العشرين، عمان، مكتبة المحتسب.
- نصیری، سوناز (۱۳۹۸). «نقش قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی عراق)»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۹، شماره ۱.
- Gubser, P. (1983). *Jordan: Crossroads of Middle Eastern Events*, Colorado, Westview Press.
- Khatib, H (1996). *Foreign policy of Jordan*, California, University of Southern California.
- Ramazani, A. (1986). *Revoluntary Iran: Challenge & Response in the Middle East*, Maryland, the toms Hapkins University.
- Razoux, P. (2015). *The Iran-Iraq war*, London, Press of Harvard University Press.
- Track, Adam (1998). *The superpowers in the Iran Iraq war*, New York, Nova Science Publishing, Inc, 1998.
- Curtis, Rayan (2009). *Inter-Arab: Regime Security and Jordanian Foreign Policy*, Florida, University of South Florida.
- Hughes, M. C. (2010). *Lion of Jordan: The Life of King Hussein in War and Peace* (review), *The Middle East Journal*, 64, 2, 310-311.
- Wright, T. (2015). *The Rise and Fall of the Unipolar Concert*. *The Washington Quarterly*, 37, 4, 7-24.
- Walt, S. (1998). *International Relation: One World, Many Theories*, *Foreign Policy*, 110, 34-64.
- Cockburn, Patrick, Man in MiddleEast, <https://www.nytimes.com/2008/10/05/books/review/Cockburn-t.html> , 2008/10/03, 2019/3/18.
- Rubner, Michael, *Lion of Jordan: The Life of King Hussein in War and Peace; King Hussein of Jordan: A Political Life*, <https://www.mepc.org/lion-jordan-life-king-hussein-war-and-peace-king-hussein-jordan-political-life> , 2008, 2019/3/18
- Taheri, Amir, *King Hussein, Middle East peacemaker*, [https://www.telegraph.co.uk/culture/books/non\\_fictionreviews/3670178/King-Hussein-Middle-East-peacemaker.html](https://www.telegraph.co.uk/culture/books/non_fictionreviews/3670178/King-Hussein-Middle-East-peacemaker.html), 2007/12/27, 2019/3/18.
- Warrick, Joby, *Jordan emerges as key CIA counterterrorism ally*, <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/2010/01/03/AR2010010302063.html?noredirect=on>, 2010/01/04, 2019/3/18.